

رازهایی درباره موفقیت

که هر فردی باید بداند

نویسنده: باربارا دی آنجلیس

مترجم: آزاده سخایی منش

سرشناسه: دکتر باربارا دی آنجلیس.

عنوان و پدیدآورنده: رازهایی درباره موفقیت که هر فردی باید بداند، باربارا دی آنجلیس.
مترجم: آزاده سخایی منش.

مشخصات نشر: قم، الینا، ۱۳۹۰

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۲۸-۰۸-۹

مشخصات ظاهری: ۱۳۶ صفحه (سیاه و سفید)

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

۱. راههایی برای موفقیت، موفقیت و پیروزی.

۱۳۹۰ز ۱۸-۸م ۶۳۷

کتابخانه ملی ایران

۸۵-۳۲۵۸۷ م

نام کتاب: رازهایی درباره موفقیت که هر فردی باید بداند

مؤلف: باربارا دی آنجلیس

مترجم: آزاده سخایی منش

ناشر: الینا

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

چاپخانه: جعفری

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۲۸-۰۸-۹

info@chaf-melina.com

www.chaf-melina.com

مرکز بخش: قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه پنجم، پلاک ۱۶۹

تلفن: ۷۷۴۷۳۹۶ - تلفکس: ۷۸۳۱۰۴۱

انتشارات چاف - ملینا

فهرست مطالب:

مقدمه:	۷
فصل اول: «تشکیل تیم گروهی»	۱۳
چرا باید عضو تیم گروهی باشیم و با آن نقش خود را ایفا کنیم:	۱۳
داستان اول:	۱۳
داستان دوم:	۱۵
«زن همیشه باید در گروه زنان بازی کند» چرا؟	۲۰
- بررسی اخلاقیات:	۳۱
- بررسی دلایل عدم مشارکت زنان در یک گروه:	۳۳
- بررسی دلیل دیگر:	۳۴
بررسی امتیازات دیگر در زمره‌ی پیوستن به یک گروه:	۳۹
اخطار برای آخرین بار:	۵۶
بررسی دیگر مزایای شبکه:	۵۸
یک راهنمایی دوستانه:	۵۹
سخن آخر:	۶۱
نکته‌ی مهم:	۶۵
بررسی نتیجه‌ی عمل:	۶۸

نکته‌ی حائز اهمیت:..... ۶۹

هشدار:..... ۷۱

تکنیک انتخاب و گزینش:..... ۷۱

فصل دوم: نکاتی بسیار سودمند درباره‌ی گروه ۷۵

نکته‌ی گروهی اول:..... ۷۵

علت نهایی مشاوره:..... ۸۰

نکته‌ی مهم و قابل استناد:..... ۸۰

نکته‌ی مهم و نهایی:..... ۸۷

نکته‌ی گروهی دوم زنان دیگر را برگزینید:..... ۸۸

نکته گروهی سوم ۹۸

سکوت را رعایت کنید ۹۸

نکته‌ی چهارم:..... ۱۰۵

نکته گروهی پنجم:..... ۱۰۷

تصمیمات گروهی ۱۰۷

«آنها دوستانم هستند» ۱۲۲

تشکر و قدردانی:..... ۱۳۵

مقدمه:

سالها قبل برای گروهی از زنان و مردان سخنرانی کردم که همگی وکیل بودند. در میان حضار زنانی وجود داشتند که با وجود احساس شادابی و امیدواری به دلیل عدم توانایی خودشان را در مقابل رقبای جنس مخالفشان احساس خفقان می کردند. آمار شرکتها و مؤسسات حقوقی آنها در عدم جذب مشتری و سود مالی متناسب، به منزله‌ی احساس ضعف و ناتوانی این زنان محسوب می شد. زمانی که به صحبت‌های آنها در خصوص موفقیتشان گوش می دادم متوجه این مطلب شدم که هرگاه فردی به فکر خدمت گرفتن یک وکیل باشد به طرز غیر قابل اجتنابی از وکیل مرد بهره می گیرد و حتی در این میان متوجه شدم که برای به خدمت گرفتن یک حسابدار یا مشاور بورس نیز بدون شیک یکی از مردان با تجربه به این قبیل مشاغل استخدام خواهد شد.

با این حال، ماجرا به همین جا منتهی نمی شود. دو نفر از وکیل‌های مذکور اخیراً پزشک متخصص زنان مرد را به پزشکان زن ترجیح داده بودند. البته باید عرض کنم این کتابها مختص زنان نیست بلکه گاهی مردان در جوامع پیشرفته امروزی دستخوش بیکاری فصلی و یا درآمدهای غیر قابل قبول می شوند. بنابراین اگر شما خواننده‌ی عزیز مرد هستید از خواندن مطالب این کتاب امتناع نورزید و تصور نکنید که تنها زنان در جامعه با عدم موفقیت شغلی مواجه می شوند. امروزه بر خلاف چندین دهه‌ی قبل زنان در جامعه نقش مؤثری را در مشاغل ایفا کنند. زنان سخت کوش می توانند از راه درآمد خود امرار معاش کنند اما گاهی انجام کارهایشان را بدست مردان می سپارند که پدران یا همسرانشان

تحت عنوان وکیل، حسابدار، مشاور و حتی پزشک از آنها بهره می‌برند. به نظر من چنین اقدام و عملکردی بی معناست و تا وقتی که زنان دست به گریبان مردان هستند و یکدیگر را از میدان خارج می‌کنند نمی‌توانند به پیشرفت مورد نظرشان دست یابند. البته تا زمانی که من آن سخنرانی را در میان زنان شاغل و مردانی که در مقابل رقبایشان نتوانستند قدم علم کنند انجام نداده بودم، به قضیه‌ی اشتغال و رازهای موفقیت پی نبرده بودم. چون عقیده‌ام بر این بود که اگر انسان باهوش، سخت کوش و از نظر سیاسی پذیرفته نشده و در عین حال خوش برخورد باشد زن یا مرد بودن او در موفقیتش تأثیر زیادی نخواهد داشت. البته حداقل زندگی شغلی‌ام بر این مسئله صحنه می‌گذارد. من در اولین شغل اجتماعی و در مقام دستیار اجرای یکی از نمایندگان واشنگتن در رأس کار قرار گرفتم. هر چند که در محیط کار، مردان از منصب بالاتری برخوردار بودند اما رؤسای مستقیم من همگی زن بودند و در مقام و منصب خود گروهی از بهترین و عملی‌ترین، عملکردها را تشکیل می‌دادند. چون ما کار خود را دوست داشتیم و در آن موفق بودیم دلیلی برای شکایت نمی‌دیدیم. در سال ۱۹۷۶ با یکی از خبرنگاران شبکه‌های تلویزیونی ازدواج کردم. او فردی بود که خیلی زود به مقام ریاست مرکز آن شبکه منصوب شد. زمانی که به شهر محل کار شوهرم اسباب کشی کردیم عملاً به عنوان مدیر دفتر او انتخاب شدم اما از آنجایی که قانون عدم استخدام خویشاوندی در دستور کار شبکه قرار داشت پذیرش من در شبکه میسر نشد بنابراین کارم را عزل کردند و من ترجیح دادم به جای مشغول شدن به کار دیگری، زندگی را برای پرورش سه فرزندم وقف کنم. بعد از بازگشت شوهرم به ایالات متحده آمریکا شغل مستقل خودم را مجدداً از سر گرفتم و به شغل روابط عمومی و پژوهش ادامه دادم. در سال ۱۹۸۰ با پیشنهاد رئیس سازمان مرکزی آبنمان در یکی از شبکه‌های جهانی مشغول به کار شدم. با شروع کار در آن شبکه احساس کردم که هدف نهایی و تنها مسیر پیشرفت

موقعیت شغلی و اجتماعی حفظ ارتباط متناسب با مردان و زنان مشهور و موفق و کیفیت عملکرد است. در آن زمان ما هیچ کدام از کارمندان زن رابطه‌ی خاصی برقرار نکردیم و هرگاه هر یک از آنها در مورد مسائل مربوط به جنسیت شکایت می‌کردند اصلاً بطور کامل متوجه منظورشان نمی‌شدم و فقط تصور می‌کردم که آنها به خوبی از پس انجام کارها و وظایفشان بر نمی‌آیند. پیشرفت شغل من همچنان در حال جریان و ادامه بود. در سال ۱۹۸۷ به عنوان قائم مقام شبکه انتخاب شدم و دو سال بعد برنامه‌های مخصوص بانوان را ترتیب و تدارک دیدم. اولین گفتگوی تلویزیونی در خصوص دعوت و مشارکت زنان در مورد مسائل اجتماعی بود. بعد از استخدام در مقام نائب رئیس شبکه مسئولیت دستیار تولید برنامه‌های بحث انگیز در مورد زندگی را بر عهده گرفتم و در سال ۱۹۹۶ به تولید برنامه‌ی جدیدی روی آوردم. در همان سال بعنوان رئیس اجرایی شبکه برگزیده شدم. در طول این مدت، زنان بسیاری را استخدام نمودم و آنها را به درجات بالای شغلی به پیشرفت رساندم اما قبل استخدام و فکر کردن به نیاز خدمت زنان به برخی از ریاکاریها و در اصطلاح «زیر آب زدن»، مردان در یک شرکت و... پی برده بودم، مواردی که بنابر باور و عقیده‌ی خویش رمز موفقیت زنان در مقابله بر آنها کتمان شده بود از جمله موضوعاتی بودند که بطور شخصی از آنها رنج می‌بردم. علیرغم تمام مشاغل سرشار از موفقیت که بر سر راه من قرار می‌گرفتند از حس بی استعداد بودن در ترس و هراس بودم و می‌ترسیدم که روزی رؤسا مسئولیت سنگین در حال افزایش من را زیر سؤال ببرند.

از این مطلب ناراحت کننده تر آنکه من هرگز برای اجرای مشاغل از این قبیل آموزش ندیده بودم و همیشه در این ترس بودم که شاید روزی شخصی بهتر و با صلاحیت کار آمدتر از من از پس انجام این وظایف برآید. اما به تدریج اعتماد به نفسم را بازیافتیم و براحتی توانستم بسیاری از شک و تردیدهایی را حل و فصل کنم. بعلاوه، به تدریج قوانین بازی تجارت را شناختم... از جمله قوانینی

که به دست مردان نوشته شده و زنان برای دستیابی به موفقیت، اندیشه‌ای بغیر از دانستن آنها نداشتند.

در نهایت موضوع قوانین مورد نظر به موضوع یکی از کتابهای من تبدیل شد...

هر چه قدر بیشتر به این قوانین می‌اندیشیدم همانند بسیاری از زنان متوجهی این مطلب می‌شدم، که دوست ندارم تا به روش مردان بازی کنم. چون دلم می‌خواست تا روش بازی و کار خودم را داشته باشم و با استفاده از شخصیتم به نظام ورزشی شعلی‌ام بایبند بمانم. با گذشت زمان نیز بتدریج متوجه شدم که یکی از مهمترین عناصر بازی و شیوهی مردانه بازی مردانه از بازی زنان کاسته شده است حال نام آن را هر چه که می‌خواهید بگذارید حمایت کار گروهی، کمک و یا... اما نکته‌ی بارز این بود که تمام مردان از یکدیگر محافظت و پشتیبانی می‌کردند در حالی که میان زنان خبری از مراقبت و پشتیبانی نبود. اما علت اینکه چرا زنان می‌بایست به هم جنسان خود کمک کنیم و بطور کلی چرا از بخدمت گرفتن وکیل، حسابدار و... که از جنس مؤنث‌اند امتناع می‌ورزیم چیست؟ چرا از اینکه اگر رئیس ما یکی از پسرعموها و یا پسرعمه‌ها و یا دیگر اقوام خود را استخدام کند هرگز احساس نگرانی یا ناراحتی نمی‌کنیم اما از استخدام یک زن در کنار خود احساس چندان خوشایندی به ما دست نمی‌دهد؟ چرا در عوض حمایت و محافظت از زنان به آنها پشت می‌کنیم؟ واقعیت امر این است که مقصر اصلی تنها ما زنان هستیم و مردان نقش حائز اهمیتی در این موضوع را ندارند. اگر خواهر خود را بعنوان همکار نمی‌پذیریم و به جای او یک مرد را قبول می‌کنیم و یا دختر یکی از بستگان را کنار می‌گذاریم تا مردی را جایگزین او کنیم مشکل از مردان نیست بلکه مشکل اصلی دست خود ماست که هم جنس و هم نوع خود را از محیط کار دور می‌سازیم. در واقع چرا به جای دور ساختن زنان از

میدان تجارت دست همکاری و مساعدت به طرف آنها دراز نمی‌کنیم؟ چرا به جای کمک به یکدیگر باید دست به گریبان مردان شویم؟

من متوجه این مطلب شدم که هرچند زنان با موانع بسیاری در دنیای تجارت مواجه هستند اما شاید دست نیافتنی‌ترین مانع همان مشکل تعامل زنان با، همدیگر است. در بسیاری از موارد، زنان با امتناع از حرکت دیگر زنان، آنها را به عقب می‌کشانند. در ظاهر با ارائه‌ی نظریاتی در این خصوص حمایت‌هایی کوچک را از هم می‌طلبیم و به یکدیگر کمک می‌کنیم اما در عمل خودمان را از این جریان کنار کشیده و دست مساعدت و یاری را کوتاه می‌کنیم. به این صورت و روش از ایجاد موقعیت شغلی، کسب مشتری، اجرای مدیریت و چند مورد دیگر به زنان جلوگیری و کارهایمان را بدست مردان می‌سپاریم. همه‌ی ما خواسته یا ناخواسته باید قبول کنیم که رفتار و اعمال ما با یکدیگر نباید اینگونه باشد و راه حلی به غیر از تفسیر رفتار اداری و شغلی فرد در جامعه نداریم. موضوع این کتاب ازجمله مواردی است که در مقدمه به آن اشاره شد. حال زمان آن فراسیده که دریابیم زنان چه در خیابان، دفتر ساختمانی، منزل، اداره و چه در هر جای دیگر برنده‌ی نبرد تجاری و شغلی خواهند بود. اگر سایر زنان پیروزند آنها براحتی می‌توانند مسیر پیروزی و موفقیت ما را هموار سازند.

ارادتمندتان: باربارا دی آنجلیس